

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار

امان‌الله یغمایی^۱

زهرا پورشعبانیان^۲

چکیده

در ناحیه جبال، یا ماد ایران، همدان نمونه‌ای از شهرهایی است که از سده‌های دور تا پایان عصر صفویه، اهمیت تاریخی و جغرافیایی خود را حفظ نموده است؛ اما دلایل اهمیت ژئوپلتیک همدان چندان هویدا نشده است. به آن جهت که مطالعه موسع و یکپارچه‌ای در این باره، صورت نرفته است! از این رو پرسش از جایگاه همدان در ناحیه جبال ایران و بازتاب‌های فرهنگی - اجتماعی آن بر بافت و هویت شهری و کشوری، مسأله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. (سؤال) همدان از جمله شهرهایی است که بافت اولیه آن در دوران پیش از اسلام شکل گرفته لیکن در طی دوران اسلامی دچار تغییر و تحولات اساسی با رنگ‌پذیری از آموزه‌های دینی گشته است و البته در دو بخش قبل و بعد اسلام اثرگذار بوده است. (فرضیه) مقصود شناخت جایگاه همدان در ناحیه جبال و دسترسی به هویت و بافت آن شهر در متون تاریخ‌نویسان، جغرافی‌نویسان و مستشرقان است. (هدف) نیل به این مقصد در سایه نقل و تحلیل تاریخ به مفهوم کلی و گردآوری داده‌های اسنادی و کتابخانه میسر است (روش) که نتیجه آن، اثبات تأثیر عمده همدان در بقا و ثبات سیاسی در قبل و بعد اسلام است. (یافته)

واژگان کلیدی

هویت تاریخی، جغرافیای همدان، تاریخ‌نویسان اسلامی، شرق‌شناسان و ایران.

۱. دکتری معماری و شهرسازی دانشگاه سوره (نویسنده مسئول) - amanyaghmaei@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات - Zahra_pourshabanian@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۴

مقدمه

در پهنه گسترده ایران، همواره شماری از شهرهای کهن وجود داشته‌اند، که هر یک در دوره یا دوره‌هایی از تاریخ، دارای جایگاه قابل‌توجهی در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی بوده‌اند. در واقع، هر یک از این شهرهای بزرگ، تحولات تاریخی که در آن قرار داشته‌اند را نمایان می‌کنند. بی‌تردید؛ شناخت و بررسی تطبیقی ویژگی‌های این‌گونه شهرها می‌تواند در به دست آوردن بینشی عمیق و گسترده از تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران در سده‌های مختلف اسلامی مفید باشد. در بخش باختری ایران همدان به عنوان نمونه‌ای از این چنین شهرها دارای اهمیت فراوانی است. شهر همدان در ناحیه‌ای که «ماد» یا «جبال» نام دارد، قرار داشت. در بسیاری از منابع تاریخی و جغرافیایی از همدان به مانند مرکز جبال، یاد شده است. در این‌گونه منابع، نام همدان بیش از نام دیگر شهرها با ناحیه جبال عجین گشته است و تنها پس از بررسی دقیق حد و مرزهای ولایت جبال می‌توان به علت این امر پی برد. همدان از دوران مادها تا دوره صفویه، دوره‌هایی از تغییر و تحولات را پشت سر گذاشته است که در گسترش آن تأثیری بسزا داشته است. بنابراین، در این پژوهش، سعی شده موقعیت همدان در جبال به گونه‌ای مقایسه‌ای از دیدگاه تاریخ‌نویسان قرون اسلامی مورد بررسی قرار گیرد و همچنین نگرشی بر سیمای کلی بافت شهری آن از قرون اولیه اسلامی تا دوران صفویه صورت گیرد، زیرا در دوران صفویه، به علل سیاسی و اقتصادی همدان رونقی مجدد یافته است به گونه‌ای که شرق‌شناسان فراوانی از آن دیدن نمودند و اطلاعاتی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در سفرنامه‌های خود ذکر کرده‌اند. بدین‌روی، به دست آوردن شناختی هر چند نسبی درباره شهر همدان، می‌تواند در پیدایش بینشی عمیق‌تر و همه‌جانبه نسبت به تاریخ یکی از بخش‌های باختری ایران در سده‌های نخستین اسلامی تا دوران صفویه سودمند باشد.

۱. جبال و همدان در متون تاریخ‌نویسان اسلامی

سرزمین "ماد" در عهد باستان از جانب شمال به اراضی رود ارس و قلعه‌های البرز، از جانب مشرق به صحرای شوره‌زار دشت کویر، از جانب مغرب و جنوب به سلسله جبال زاگرس محدود می‌گشته است. اراضی یاد شده از لحاظ جغرافیایی به سه بخش مشخص؛ ماد آتروپاتن (به مرکزیت آذربایجان)، مادسغلی (به مرکزیت همدان) ماد پارتاکنا تقسیم می‌گردید. (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۷۹) از سه محدوده جغرافیایی مذکور؛ دو بخشی که دارای اهمیتی به مراتب بیش‌تر بوده شامل، بخش شمالی یا ماد علیا با نام آذربایجان یا ماد کوچک و بخش جنوبی به نام ماد سفلی یا ماد بزرگ بوده است. (اذکایی، ۱۳۸۰: ۴) صورت‌بندی شهرهای پهلوی (بلاد پارتی) یا فهلویان از اواسط عهد اشکانی (حدود سده یکم میلادی) بر ماد بزرگ منطبق شد و قطب بلاد پهلویان، کوهستان (جبال) و قطب کوهستان (همدان) بوده است. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۲) در اوایل دوران ساسانی، ماد قدیم ظاهراً به چهار ایالت همدان، ری، اسپهان و آذربایگان، تقسیم می‌شده است. سرزمین (ماه) یا ماد که همان ماد خاص باشد "مادکوست" نام یافت و ربع همدان مرکب از چهار ایالت ماد، "همدان کوستی" یا منطقه همدان نامیده شد (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۳) اما تقسیم مادکوست به دو ناحیه اداری جداگانه «ماه» دینور و «ماه» نهماوند، که در صدر اسلام به‌عنوان «ماه الکوفه» و «ماه البصره» نام‌برده شده‌اند، احتمالاً در روزگار قباد اول ساسانی (۵۳۱-۴۸۸ م) واقع شده که در هر حال، ام‌القرای آن‌ها همدان به شمار می‌رفته است. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۴) دیگر شهرهای مادکوست «ماسبذان، وستان، تویسرکان، اسکین رود، نهماوند، ملایر» را دربر می‌گرفت. همدان مرکز ایالت ماد، به لحاظ اداری در عهد ساسانی جزو «شهرهای» پانزده‌گانه شاهی محسوب می‌شد. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۲) از نظر تقسیمات کلیسایی (نسطوری) مادکوست را در متون آرامی «بیت ماذایه» می‌گفتند که شامل شهرهای حلوان و دینور و همدان می‌شده است. (اذکایی؛ ۱۳۸۰: ۵) در نتیجه، ماد به معنای خاص، در دوره ساسانی شامل

بخش میانی از ناحیه کوهستانی غرب ایران بوده و شهرهای مهم و بزرگ آن عبارت از: حلوان، همدان، دینور و نهاوند بوده‌اند. (احمدی‌منش، ۱۳۹۰: ۷)

در دوران اسلامی برای معرفی شهرهای ناحیه جبال از واژه (پهله) فراوان بهره گرفته شده است، لیکن نام همدان از هزاره‌های پیش از اسلام به عنوان یکی از مکان‌های مهم جغرافیایی و یکی از پنج ناحیه پهله محسوب می‌شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۸)

این نکته مبین آن است که، واژه «پهله» درباره تقسیمات پیش از اسلام نیز به کار رفته است. (پورشعبانیان، ۱۳۹۱: ۲۳) ابن ندیم، پهلوپه را منسوب می‌دارد به پهله که نام پنج شهر، اصفهان، ری، همدان، ماه نهاوند و آذربایجان را شامل می‌شده است. (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۱۵) ابن خردادبه در خصوص تعیین شهرهای ناحیه جبال، آن‌ها را در دو گروه کورالجبل و بلادالپهلویون، جای داده، وی کوره جبال را شامل ماسبدان، مهرجان قدق، دینور، نهاوند، همدان و قم دانسته است (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۸) و بلاد پهلوپون را شامل شهرهای: ری، اصفهان، همدان، دینور، نهاوند، مهرجان قدق، ماسبدان، قزوین برشمرده است. (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۲) مسعودی، شهرهای ناحیه جبال را در شمار شهرهایی که سی‌وشش درجه عرض دارند قرار می‌دهد، شهر نهاوند از ولایت ماهات و شهر همدان و ری و موصل، همه این شهرها که در اقلیم‌های مختلف است بر یک خط است گرچه عرض این نقاط یکی است اما هوای آن‌ها به سبب علت‌ها و عارضه‌ها تفاوت دارد. (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۴) ابن حوقل می‌گوید: «سرزمین جبال شامل شهرهای مشهوری است که بزرگ‌ترین آن‌ها همدان، دینور، اصفهان و قم است و شهرهای کوچک آن قاسان (کاشان)، نهاوند، لور، کرج و برج هست.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۲)

نویسنده ناشناخته رساله *حدودالعالم*، در حدود جغرافیایی ناحیه جبال آورده است: «ناحیتی است که مشرق وی بعضی از حدود پارس است، بعضی از بیابان کرگس کوه و بعضی از خراسان و جنوب وی حدود خوزستان است و مغرب وی بعضی از حدود عراق است و بعضی از حدود آذربادگان و شمال وی کوه دیلمان است.» (حدودالعالم، ۱۳۳۰: ۱۳۹)

(۱۳۹) مقدسی در خصوص شهرهای جبال می‌گوید: «ری بزرگ، همدان و خوره

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۳۳

گران قدر اصفهان در سرزمین جبال جای دارند، نخستین خوره از سمت رحاب، ری و سپس همدان و اصفهان است. ناحیت‌های آن قم، کاشان، دماوند، کمره (صیمره)، کرج، ماه کوفه، ماه بصره و شهر زور می‌باشد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۷۳) قزوینی، جبال را ولایتی مشهور می‌داند که او را قهستان نیز، گویند. شرق این مملکت، مفازه خراسان و فارس است و غرب این ولایت، متصل به آذربایجان، شمالش دریای خزر و جنوبش عراق و خوزستان است. قصبه‌های این مملکت؛ اصفهان، ری، همدان و قزوین بوده است. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۰۴-۴۰۵) مستوفی هم، مانند تاریخ‌نویسان سده‌های پیشین ناحیه جبال را ولایتی مشهور به حساب آورده، وی مرزهای جبال را از سفیدرود تا یزد و از گیلان تا خوزستان، تعیین کرده است و شهرهای مهم آن را اصفهان، همدان، قم و ری می‌داند. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۴۷)

تاریخ‌نویسان سده‌های بعد نظیر؛ خواجه غیاث‌الدین شیرازی (خواندمیر) (شیرازی، - ۱۳۵۳: ۶۵۵) و مجدالدین حسینی حائری (حسینی حائری، ۱۳۴۲: ۷۷۰) و تاریخ‌نویسان اواخر دوران صفویه در خصوص حدود جغرافیایی ناحیه جبال به استناد تاریخ‌نویسان ادوار قبل خصوصاً حمدالله مستوفی پرداخته‌اند و شهرهای مهم ناحیه جبال را، اصفهان، همدان، قم و ری برشمرده‌اند. (پورشعبانیان، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷) در نتیجه، می‌توان این‌گونه برداشت نمود که واژه جبال در آثار جغرافی‌نگاران اسلامی، جایگزین ماد یا مای شد و سرزمینی که در تقسیم‌بندی ساسانی «همدان کوستی» نامیده شده و شهرهای همدان، دینور، نهاوند، حلوان و ماسبدان را دربر می‌گرفت جز جبال قلمداد شده‌اند. (احمدی منش، ۱۳۹۰: ۸)

همدان در اقلیم چهارم واقع شده، شهری عظیم‌الشان و بلده رفیع‌البنیان است (شیرازی، ۱۳۵۳: ۶۵۵) که در مرکزیت اقلیم بزرگ، زیبا و کهن جبال واقع شده است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۵) مسلمانان در سال ۲۳ هجری همدان را فتح نمودند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵) و آن را ماه بصره نام نهادند. (یعقوبی، ۱۳۴۷ الف: ۴۷) و (یعقوبی، ۱۳۸۱ ب: ۳۸) بنای شهر همدان را همدان بن فلوج بن سام بن نوح علیه السلام گذاشته است، در کتب فرس مسطور است که همدان، بزرگ‌ترین شهر جبال بوده، چهار فرسنگ در چهار فرسنگ آبادانی داشته

و آب و هوای خوش داشت و پایتخت پادشاهان بوده است. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۵۹) اندرون شهر بسیار وسیع است و باروی دور آن دوازده هزار گام است. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۱) ولایتش پنج ناحیه دارد. (حسینی حائری، ۱۳۴۲: ۷۷۶) ناحیه اول را فریوار گویند؛ این ناحیه در حوالی شهر است و هفتاد و پنج پاره دیه است، ناحیه دوم در مائین قرار دارد و چهل و یک پاره دیه است، ناحیه سوم شیراهین نام دارد و چهل پاره دیه است، ناحیه چهارم نیز اعلم نام دارد که سی و پنج پاره دیه است. (حسینی حائری، ۱۳۴۲: ۷۷۷)

۲. ساختار شهری همدان قبل و بعد اسلام

شهر همدان در دوره حکومت مادها شکل گرفته و از نخستین و بزرگ‌ترین شهرهای دوره تاریخی ایران باستان شمرده می‌شود. اکثر تاریخ‌نویسان، پژوهش‌گران و باستان‌شناسان عقیده دارند؛ که شهر باستانی هگمتانه یا هسته اولیه همدان کنونی، بر روی تپه هگمتانه فعلی قرار داشته است. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۴) در این راستا، لازم است نظریات برخی از تاریخ‌نویسان بیان گردد. تاریخ هرودوت به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اسناد و نوشته‌های بر جای مانده از دوران باستان، اشاراتی هر چند مختصر به شهر همدان و چگونگی توسعه آن دارد. هرودت در خصوص همدان نقل می‌کند:

دیاکو شهر بزرگ و مستحکمی ساخت که اکنون آگابته یا هگمتانه خوانده می‌شود. حصارهای شهر به شکل دواير متحدالمرکز ساخته شد. طرز قرار گرفتن این دواير چنان بود که هر حصارى فقط به قدر ارتفاع کنگره‌ها از حصار پیشین بلندتر بود، وضع طبیعی زمین که به صورت تپه مساعدی است. برای اجرای چنین طرحی بسیار مناسب بود. (هرودوت؛ کتاب اول: بندهای ۹۸-۹۹)

در این دوران وسعت شهر همدان در حدود ۴۰ هکتار بوده که با مساحت برج‌ها و باروها و خندق قدیمی بر روی هم، شهر در حدود ۵۰ هکتار بوده است و در آخرین حصار آن نیز، ارگ حکومتی قرار داشته است. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۴) (نقشه شماره ۱) قراین و نشانه‌هایی مانند؛ الواح زرین و سیمین داریوش بیان‌گر آن است که شهر باستانی هگمتانه یا هسته اولیه همدان کنونی، در زمان این شاه، بر روی تپه هگمتانه فعلی از نو بنا گردید و

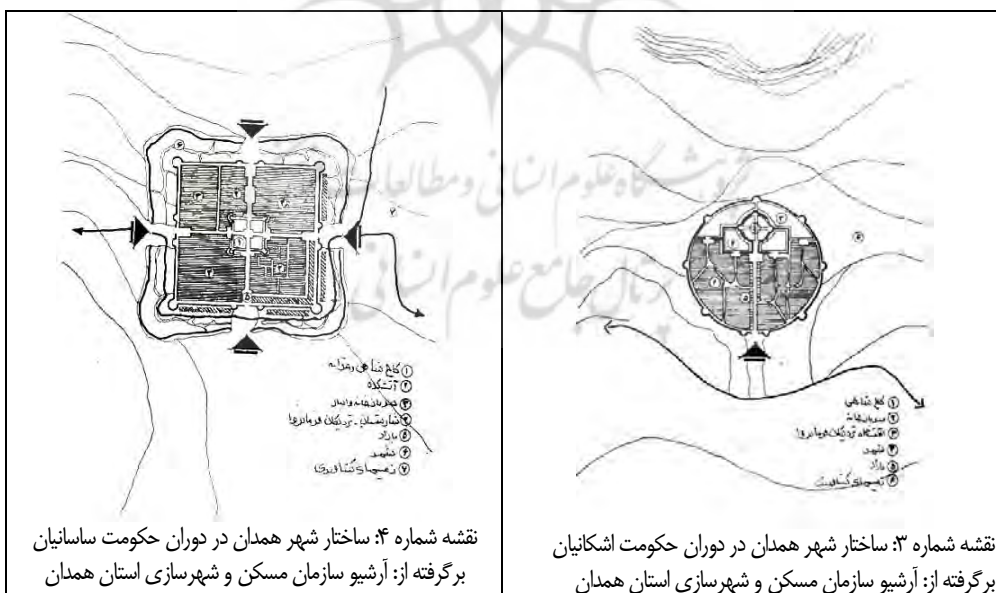
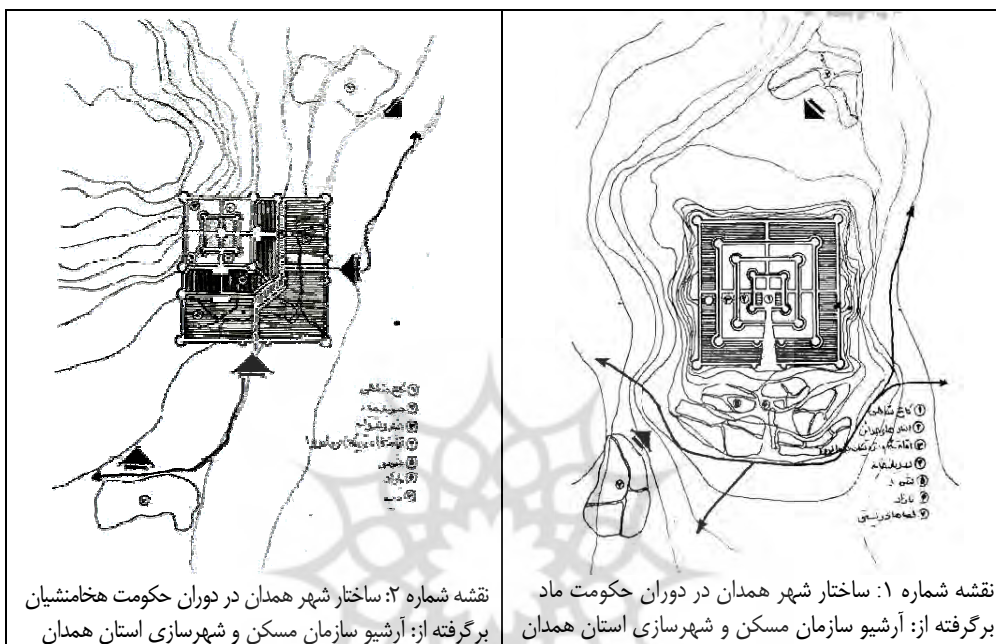
هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۳۵

می‌توان یقین داشت که از هفت قلعه دیوکس چیزی باقی نمانده بود. (مصطفوی، ۱۳۳۲: ۶۵) (نقشه شماره ۲) کتزیاس مورخ و پزشک مشهور اردشیر دوم هخامنشی شهر را از نزدیک مشاهده نموده و در خصوص آن می‌گوید:

سمیرامیس ملکه آشور (همسر رممن نیراری) به هگمتانه آمد، پس از دیدن وضعیت شهر و موقعیت مناسب این محل دستور داد که برای وی در آنجا کاخی برپا دارند و چون مشاهده نمود که در شهر جدید الاحداث کمبود آب وجود دارد، دستور داد نهری ساخته و آب دریاچه‌ای که در آن سوی کوه اورینتس (الوند) است را به این شهر سرازیر نمایند. (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۴)

زمانی که اشکانیان شهر همدان را فتح نمودند، پس از تخریب آن شهر جدیدی در کنار آن ایجاد نمودند که جهت توسعه آن به سمت جنوب بود و در قسمت شرق آن، بر روی تپه، یک قلعه نظامی جهت حفظ امنیت ایجاد نمودند. بنابراین، محدوده اراضی شهر در این دوره از سمت غرب تپه، حد شمالی قلعه حاج احمد شمالی و تپه هگمتانه (شهر قدیم دوره ماد و هخامنشی) و حد جنوبی گورستان اشکانی (دروازه شیرسنگی) بوده است. (تاجبخش، ۱۳۸۷: ۴) (نقشه شماره ۳) پولیبیوس از جمله تاریخ‌نویسان یونانی است که در این دوران از همدان یاد نموده، وی در توصیف همدان می‌گوید: این شهر در دامنه کوه اورنتس قرار گرفته است، حصار ندارد اگرچه دژ و ارگ بسیار مستحکمی در آن ساخته‌اند. در زیر این ارگ، کاخ شاهی را با چوب برافراشته‌اند.

در خصوص بزرگی آن می‌توان گفت؛ که محیط آن هفت استاد است و بناهای باشکوه آن را که در نقاط مختلف شهر ساخته‌اند، نشان دهنده آن است که ثروت و خواسته سازندگان اصلی آن تا چه حد بوده است. ایسیدوروس خاراکسی از دیگر تاریخ‌نویسان این دوران، در کتابی به نام **پاسگاه‌های پارتی** اشاراتی به اکباتانا نموده و آن را پایتخت مادها می‌داند. وی می‌گوید: «در سه سخونی (حدود ۱۳ تا ۱۴ کیلومتر) مرز ماد علیا، شهر کنگور قرار دارد، در سه سخونی اینجا بازیگرایان (احتمالاً اسداباد) قصری در آن ناحیه باتانا (اکباتانا) است.» (مهندسین مشاور، ۱۳۷۱: ۲۶) در زمان ساسانیان، یزدگرد اول پسر شاپور ساسانی پس از بازسازی شهر همدان، آن را مقر کاخ‌های تابستانی شاهان این سلسله گردانید. (نقشه شماره ۴)



هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۳۷

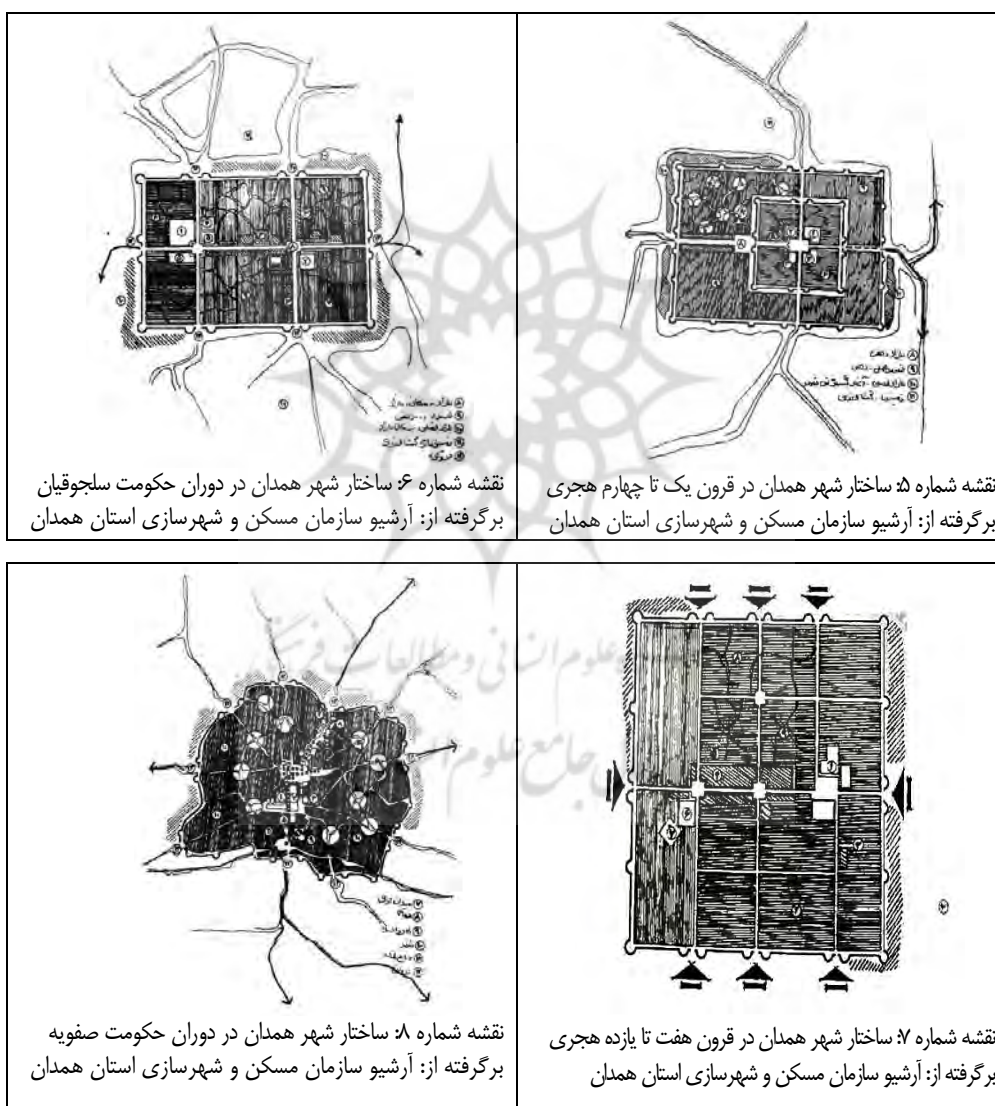
همدان هم‌چون سایر شهرهای ایران به تدریج در اختیار مسلمانان قرار گرفت. (آشتیانی و عاقلی، ۱۳۸۷: ۵۶) در سال ۲۳ هجری حکمران شهر همدان با مسلمانان صلح کرد، ولی این صلح دوامی نیافت، جنگی درگرفت و شهر به قهر گشوده شد و بسیاری از مسلمانان در آنجا ساکن شدند، از جمله آنان بنوسلمه بود که ریاست شهر را به دست آورد. (خزائل کردستانی، ۱۳۲۳: ۲۳) از این دوران به بعد، همدان وارد مرحله جدیدی از تغییر و تحولات تاریخی و شهری گردید و در این خصوص دیدگاه برخی از تاریخ‌نویسان و جغرافی‌نویسان مسلمان حائز اهمیت است. اصطخری همدان را، شهری بزرگ با چهار دروازه آهنین و بناهای ساخته شده از گل توصیف می‌کند، وی اشاره می‌کند همدان دارای باغ‌های بسیار است. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۴) ابن حوقل نیز به مانند تاریخ‌نویسان گذشته همدان را شهر بزرگی با چهار درب آهنی و بناهای ساخته شده از گل توصیف می‌کند. وی تنها مورخی است که به وجود حصار در اطراف شهر اشاره دارد. باغ‌های فراوان همدان از نکات دیگری است که در رساله وی از آن صحبت شده است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵) مقدسی، همدان را شهری نیکو، نه چندان آباد دارای شهرک ویران در درون شهر و ربض (دیوار) دور آن توصیف می‌کند و اشاره دارد به اینکه باغ‌ها شهر را فرا گرفته و چشمه‌های بسیار درون شهر وجود دارد. وی هم‌چنین در خصوص ابنیه همدان ذکر می‌کند؛ همدان جامعی کهن و آبرومند دارد، جامع در بازار پر از ساختمان‌هاست. بازار در سه رده نهاده شده است. (مقدسی، ۱۳۶۶: ۵۸۵) مستوفی در توصیف بافت شهری همدان آورده است

همدان در اول شهری بسیار بزرگ بوده، چون خرابی به آن راه یافت جمشید پیشدادی تجدید عمارتش کرد و دور آن، باروی به اندازه دوازده هزار گام کشید اما اکنون در میانه شهر قلعه گلین وجود دارد، که آن را شهرستان خوانند بنای آن را دارابن داراب گذاشت، لیکن اکثر آن قلعه اکنون خراب است. در اندرون شهر چشمه‌ها بسیار است. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۱)

حائری در گفته‌هایش در خصوص بافت شهری همدان، عیناً توصیفات حمدالله مستوفی را بیان می‌کند. (حسینی حائری، ۱۳۴۲: ۷۷۶) به این ترتیب، همدان چنان که اذکایی مورخ معاصر نیز اشاره کرده است، شهری پراکنده و «مداین گونه» بوده است. (اذکایی، ۱۳۸۰: ۵) این که بازار زرگران همدان در سیج‌آباد، حدود دو فرسنگی شهر قرار داشته، در کنار قرار داشتن رسته بازرگانان و بزازان در دیه‌های پیرامون شهر و بیرون از شهرستان،

۳۸ ◀ سخن تاریخ / شماره ۲۰_ پاییز و زمستان ۱۳۹۳

نشان می‌دهد که این شهر چندان متمرکز نبوده است و بخش‌های مهم اقتصادی و شهری در پیرامون شهرستان قرار داشتند، از این رو، ربض همدان تنها منطقه کشاورزی آن نبود، بلکه برخی از کانون‌های اصلی شهری مانند بازارها و مسجد جامع نیز در آن جای گرفته بودند. (احمدی‌منش، ۱۳۹۰: ۱۸) (نقشه‌های شماره ۵-۶-۷-۸)



۳. سازمان فضایی و جایگاه اقتصادی همدان

بنا بر آنچه که از گذشته تا به امروز نقل شده و همچنین به تناسب فرضیاتی که در اجزا و عناصر شهر عنوان شده است می‌توان دلایل زیر را برای سازمان فضایی کل شهر تصور نمود. ساخت شهر همدان قبل از دوران قاجار به بر دو محور کلی استوار بوده است:

۱. سازمان فضایی متأثر از کاروان‌سراها؛ چنین سازمان فضایی فقط به اتکا دلایل و شواهد عملکردی شکل می‌گیرد؛ بدین معنی که شهر دارای چندین دروازه (در انتهای مسیرهای اصلی) بوده است و از این دروازه‌ها مسیرهایی به کاروان‌سراها منتهی می‌شده، احتمالاً وسعت کاروان‌سراها متناسب با اهمیت این مسیرهای ارتباطی بوده است. وضعیت استقرار کاروان‌سراها به گونه‌ای بوده که ارتباط با فضاهای مبادلاتی را تأمین می‌کرده است. با رعایت سلسله‌مراتب سایر فضاهای شهری، در لابه‌لای این عناصر اصلی شهر مستقر بوده‌اند. (مهندسین مشاور، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۹)

۲. سازمان فضایی متأثر از اقوام و مذاهب؛ در این حالت تعدد اقوام و مذاهب، بر سازمان‌یابی فوق تأثیر مضاعف داشته است. در عین حال که سازمان فوق در کلیات آن رعایت می‌شد؛ نوعی تقسیم‌بندی بر حسب تعدد اقوام و مذاهب در این میان دخالت تعیین‌کننده داشت. بدیهی است در چنین شرایطی، می‌توان تا حد زیادی شاهد راسته‌های صنفی نظیر؛ راسته کلیمی‌ها بود. در هر یک از حالت‌های سازمان‌یابی فضای شهری؛ شرایط طبیعی تا حدود زیادی تعیین‌کننده بوده است و به تدریج هر چه به حاشیه شهر نزدیک‌تر می‌شویم، منظر چشمه‌سارها بیش‌تر و سطح باغ‌ها نسبت بالاتری را شامل می‌شدند، این جویبارها در حاشیه، راه‌های پرپیچ‌وخم، نهرها را دنبال می‌کرده و به سمت نهر اصلی که از میان شهر می‌گذشته؛ جمعاً شریان‌های اصلی شهر را به وجود می‌آورده است. در فاصله این راه‌ها، مجموعه‌های مسکونی اقوام و مذاهب مختلف و یا جِرفِ گوناگون، با رعایت سلسله‌مراتب درونی خود شکل می‌یافته است؛ در نهایت این راه‌ها به کاروان‌سراها و فضاهای جنبی خدماتی مربوط به آن‌ها منتهی می‌شده است. در حد فاصل کاروان‌سراها با حصار و باروهای کاخ شاهی، رأس این سلسله‌مراتب سامانه‌های شهری (اعیان و خواص) اقامت داشتند. حصارهای متعدد شهر با رعایت سلسله‌مراتب درونی و

خاص شهر مستقر می‌گشته است. (مهندسین مشاور، ۱۳۷۱: ۴۹-۵۰)

شاید بتوان گفت قدیم‌ترین راه تجاری ایران، جاده شاهی بوده که از بابل شروع می‌گشت و با گذر از تنگنای زاگرس به کرمانشاهان و اکباتان (همدان) می‌رسید. (اسفندیاری، ۱۳۶۹: ۶۹) بابل به عنوان مهم‌ترین شهر میانرودان جنوبی، نقطه آغاز و انجام همه راه‌های تجاری دنیای کهن بود؛ شاهراه مبادلات بازرگانی خراسان بزرگ از طریق بابل، سر پل ذهاب، بیستون، همدان و ری، آسیای غربی را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد. (ملک‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴) از آنجا به ری می‌رفت و در امتداد جنوب البرز به باکتريا (بلخ) می‌انجامید. این راه از روزگاران کهن، اصلی‌ترین راه پیوند شرق و غرب بوده است و کلیه شهرهای واقع در مسیر این جاده از آبادترین شهرهای آن زمان به شمار می‌رفتند. (اسفندیاری، ۱۳۶۹: ۶۹) در دوران اسلامی و بر اساس متون تاریخ‌نویسان و جغرافی نویسان از قرون اولیه اسلامی تا روزگار صفویان؛ همدان به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و نزدیکی به مرزهای عراق عرب (بغداد) محل عبور یکی از مهم‌ترین جاده‌های ارتباطی قرون اسلامی به حساب آمده است (پورشعبانیان، ۱۳۹۱: ۳۴۴) و به عنوان انبار غله ایران از اهمیت تجاری زیادی در ارتباط با شهرهای هم‌جوار برخوردار بوده است. از همدان مایحتاج زندگانی سایر ولایات و ایالات مجاور هم بیرون می‌آمد. (تاورنیه، ۱۳۶۷: ۱۹۷) کلیه کالاهای صادراتی کشور به طرف بازارهای غرب، ابتدا به همدان حمل شده و سپس از جانب کوه‌های زاگرس به بغداد و در نهایت به سایر نقاط دنیا منتقل می‌گردیده است. (Newman, 2003: 111) این مسیر تجاری در غرب از همدان می‌گذشت و در آن دو بخش می‌شد؛ جاده شمالی که از راه سنندج، موصل، ماردین، ارفا، تا حلب راه می‌سپرد و جاده غربی که تا بغداد می‌رسید و در آنجا نیز تقسیم می‌شد؛ یکی به شمال در موازات دجله به موصل می‌رفت و دیگری به موازات فرات تا بیابان حلب کشیده می‌شد. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۹۹) این مسیر را به طور تقریبی می‌توان با مسیرهای تجاری قرون سوم تا هشتم هجری مقایسه نمود که جزء در بعضی موارد نظیر برخی روستاها و یا شهرهایی که در دوران‌های مختلف با توجه به مقتضیات حکومتی ارزش خود را از دست می‌دادند، در باقی موارد یک‌سان است. بر این اساس می‌توان بیان نمود، پل‌ها و کاروان‌سراها که در مسیرهای ارتباطی همدان قرار می‌گرفتند به لحاظ گسترش مسیرهای ارتباطی و تجاری

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۴۱

بوده است. (پورشعبانیان، ۱۳۹۱: ۳۴۵) تاریخ‌نویسان راه‌های ارتباطی مختلف گفته‌اند:

(الف) ابن‌خردادبه مسیر تجاری از حلوان تا همدان، را چنین وصف نموده است: حلوان < پس از گذر از گردنه حلوان < مازرواستان < مرج‌القلعه < کاخ یزید < زبیدیه < خشکاریش < قصر عمرو < قرمیسین < دکان < قصر اللصوص (کنگوار یا کنگاور) < خنداد < گردنه همدان < قریه عسل < همدان (ابن خرداد به، ۱۳۷۰: ۱۷-۱۸)

(ب) اصطخری شاهراه‌های تجاری و مسیرهای ارتباطی از همدان تا حلوان را این‌گونه وصف نموده است: همدان < اسدآباد < قصرزدان (قصر اللصوص) < ماذران < قنطره‌ابی نعمان < دیه‌ابی ایوب < بیستون < کرمان‌شاهان < زبیده < مرج‌کی قلعه‌ای < حلوان می‌باشد. (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۳-۱۶۲)

(ج) ابن‌حوقل هم‌چنین در خصوص شاهراه‌های تجاری و مسیرهای ارتباطی همدان با مناطق هم‌جوار بیان می‌کند: مسیر ارتباطی از همدان به حلوان؛ همدان < اسدآباد < قصرزدان (قصر اللصوص) < ماذران < قنطره نعمان < قریه‌ابی ایوب < بهستون (بیستون) < قرمیسین (کرمانشاهان) < زبیده < مروج‌القلعه < حلوان (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۳-۱۰۲)

(د) مقدسی در خصوص مسیر ارتباطی همدان به حلوان این‌گونه ذکر می‌کند: از همدان < اسدآواذ < قصرزدان < قنطره نعمان < کوه بیستون < قمراسین < قصر عمردوبرید < زبیدیه < طرز < مرج < حلوان (مقدسی، ۱۳۶۶: ۶۰۰)

(ه) مستوفی در خصوص شاهراه‌های تجاری و مسیرهای ارتباطی این چنین ذکر می‌کند: شاهراه جنوبی از جانب السلطانیه الی نجف الاقصی: از حد ایران صد و چهل و چهار فرسنگ است؛ من سلطانیه الی همدان: از سلطانیه < دیه بخشیر < دیه ولج < رباط اتابک محمد بن ایلدگز < دیه کرکههر < دیه صاحبی < شهر همدان جمعاً از سلطانیه تا همدان ۳۰ فرسنگ می‌باشد. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۶۴) از همدان الی قصر شیرین: از همدان < شهر اسدآباد < دیه کنگور اول کردستان < دیه صحنه < شهر چمچال < دیه کرمانشاهان < جکارمس < دیه حساکاوان < دیه کوند و خوشان < شهر حلوان (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۶۴) حلوان اول ملک عراق عرب است و از قصر شیرین، راه جدا می‌شود، از همدان تا قصر شیرین ۵۸ فرسنگ مسافت بوده است؛ از قصر شیرین < خانقین

< رباط جلولو < هارونیه < بعقوبا < شهر بغداد می‌باشد. از بغداد تا مشهد نجف ۲۶ فرسنگ و از همدان ۱۱۴ فرسنگ و از سلطانیه ۱۴۴ فرسنگ است. (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۶۶)

بر اساس متون تاریخ‌نویسان روزگار صفویان؛ با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی همدان و نزدیکی به مرزهای عراق عرب (بغداد) این شاهراه تجاری به عنوان محل عبور یکی از مهم‌ترین جاده‌های ارتباطی دوران صفویه مورد استفاده قرار می‌گرفت. (پورشعبانیان، ۱۳۹۱: ۳۴۵)

۴. جایگاه سیاسی و نظامی همدان در دوران صفویه

در طی دوران صفویه، خصوصاً در دوران شاهان نخستین این سلسله؛ شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه‌عباس اول؛ همدان از اهمیت فراوان سیاسی و نظامی برخوردار بوده است. وجود مرزهای مشترک با عراق از یک‌سو و موقعیت جغرافیایی طبیعی از سوی دیگر، علل این اهمیت بوده است. در این میان، همدان گاه به‌طور کامل تحت تسلط عثمانیان بوده است و گاه شهرستان‌های آن تحت سلطه شاهان عثمانی قرار می‌گرفته است. در نگاهی محدود، همدان در دوره برخی از شاهان نظیر شاه‌عباس جایگاهی مرکزی دارد و مقرر نظامی شاهان صفویه محسوب می‌شده است، زیرا این قسمت، مقرر شاهان صفویه بود و اصولاً این نواحی به عنوان حاکم‌نشین تلقی می‌شد و اغلب این نواحی را به‌عنوان تیول به بزرگان درباری می‌دادند. با توجه به این موضوع برخی از اقدامات نظامی شاهان نخستین صفوی در مرزهای همدان را بازگو می‌کنیم:

۱. مراحل اصلی گسترش امپراتوری صفویه در زمان شاه اسماعیل اول با شکست بازمانده‌های نیروهای آق‌قویونلو در سال ۹۰۸ هجری در نزدیک همدان صورت گرفت و نهایتاً منجر به این شد که مرکز و جنوب ایران تحت کنترل وی درآید. (Newman;2006:11)

۲. در زمان حکومت شاه‌طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هـ)، شاهد رویدادهای نظامی دیگری در خاک همدان هستیم، که از آن جمله؛ واقعه (فاجعه تکلو) در سال ۹۳۷ هجری است که

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۴۳

منجر به نبردی بین این طایفه و قبایل قزلباش در نزدیکی همدان شد. (سیوری، ۱۳۷۴: ۵)
۳. شروع سلطنت شاه‌عباس اول در ایران مقارن بود با حکومت سلطان مراد سوم در عثمانی و درست در همین زمان سرداران ترک؛ نواحی قراباغ، گنجه، تبریز، سراب، نهاوند و حدود لرستان و همدان را تحت اشغال خود داشتند. (ولایتی، ۱۳۷۴: ۳۹) شاه‌عباس برای آن که بتواند اقتدار خود را، در کنترل اوضاع داخلی ایران، خصوصاً نواحی غرب و جنوب غرب آشکار سازد، اقدام به تعیین فرماندارانی در شهرهای این نواحی نمود که از آن میان، فردی به نام بوداق‌خان به‌عنوان فرماندار همدان تعیین گردید. (Newman, 2003: 80)

سفرنامه‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند درباره گذشته هر جامعه محسوب می‌شوند که برای مورخان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان جز منابع دست‌اول بشمار می‌روند؛ در سفرنامه‌ها برخلاف کتب جغرافیایی و تاریخی، به کوچک‌ترین مسائل اجتماع توجه شده است. یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران که اطلاعات مفصلی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن در دست است، دوره صفوی می‌باشد. بخش عمده‌ای از این اطلاعات ارزشمند حاصل نگارش سفرنامه‌هایی است که به وسیله سیاحان اروپایی به رشته تحریر درآمده و باعث شناخت نسبتاً کامل ما از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، معماری، هنر و ادبیات این دوره شده است. (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۴۰) در واقع در این دوره، با توجه به این که کل کشور تحت حاکمیتی واحد انسجام یافت و نیز به علل سیاسی، نظامی، تجاری، مذهبی ارتباط با سایر کشورها، به ویژه کشورهای اروپایی بسیار گسترش یافت و در نتیجه رفت‌وآمد خارجیان از جمله مأموران سیاسی، سیاحان، مبلغین مذهبی و تجار تسهیل شد و فزونی یافت که از این خیل عظیم، بسیاری نیز مشاهدات سفر یا شرح مأموریت خود را به رشته تحریر درآوردند که امروزه به‌عنوان منبعی مهم از دوره صفوی، ارزشمند است. (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۴۱) با توجه به اهمیت سفرنامه‌ها دیدگاه برخی از شرق‌شناسان دوران صفویه در خصوص همدان بیان گردیده است.

۱. پیتر دلاواله در سال ۱۰۲۵ هجری، به اتفاق ملازمان و خدمت‌کاران خود با کاروانی عازم ایران می‌شود و از طریق قصر شیرین به همدان، گلپایگان و در نهایت به اصفهان مراجعت می‌کند. وی در سفری که به همدان داشت پس از بازدید از شهر، همدان را شهر نسبتاً بزرگی توصیف می‌کند که جمعیت قابل توجهی دارد و در حقیقت گذرگاه اصلی ایران

است؛ ولی از لحاظ خانه‌سازی و وضع اهالی و بسیاری جهات به دهات شباهت دارد. خانه‌ها همه دارای حیاطی هستند که در آن درختان میوه کاشته شده و این درختان در خیابان‌ها و میدان‌های شهر نیز همه‌جا به چشم می‌خورد، مانند شهرهای اصلی دیگر، دارای بازار مسقفی است. همدان مرکز یک خان است که شاهان متعددی را تحت فرمان دارد و به سرزمین‌های اطراف نیز حکومت می‌کند. (دلاواله، ۱۳۸۴: ۱۷)

۲. تاورنیه از بزرگ‌ترین سیاحان قرن هفدهم میلادی است که برخلاف پیش‌تر تاریخ نویسان که تاریخ خود را تنها وقف جنگ‌ها و جدال‌ها و تعریف شاهان و بزرگان زمان خود کردند، جامعه ایران عهد صفویه و عادات و رسوم و افکار و عقاید آن‌ها را شناخته و به ما نشان داده است. وی در بیان وسعت ایران و تقسیم ایالات آن این‌گونه سخن می‌گوید. ایران در حالت حالیه محدود است از طرف شمال به دریای خزر، از جنوب به دریای محیط، از مشرق به مسالک مغول کبیر (هندوستان)، و از مغرب به ممالک خداوندگار ترک که دجله و فرات آن‌ها را از یک‌دیگر جدا می‌کند. وی در خصوص تقسیم ایالات؛ ایران را به ۱۷ ایالت تجزیه نموده و همدان را از شهرهای ایالت ۵ (عراق عجم) نام‌برده است. ایالت پنجم عراق عجم است که پارت قدیم باشد و شهرهای عمده آن از این قرار است؛ اصفهان، تویسرکان، همدان، کاشان، قم، قزوین و شاید یزد، اگر که جز کرمان محسوب نشود. (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۱۹۷) وی همدان را یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین شهرهای ایران می‌داند که در پای کوهی واقع شده و از زیر آن چشمه‌های بسیار بیرون آمده، تمام آن ناحیه را مشروب می‌نماید. اراضی همدان بسیار حاصل‌خیز است و گندم و برنج به حد زیاد به عمل می‌آید که به همه ایالات مجاور آن حمل می‌کنند. به همین جهت، عقیده جمعی بر آن است که تمالک بغداد برای پادشاه ایران هیچ فایده ندارد زیرا که نگاهداری و حفظ آن متضمن مخارج گزاف است؛ از همدان مایحتاج زندگانی سایر ولایات و ایالات مجاور هم بیرون می‌آید که دیگر محتاج محصول بغداد نیستند. از جمله تاجران متمول عیسویان بابل هستند که هرساله برای تجارت به همدان و اصفهان می‌آیند، از همدان با اسب در طی نه روز می‌توان به اصفهان (پایتخت ایران) سفر نمود. (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۳۵۷-۳۵۸)

۳. کمپفر از جمله تاریخ‌نویسانی است که در سفرنامه خود توضیحات کاملی از اوضاع؛ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و معماری دربار ایران در (اصفهان) در طول نیمه دوم

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۴۵

قرن هفدهم میلادی ارائه می‌دهد. وی تقسیمات کشوری ایران در دوره شاه‌عباس اول؛ را در پنج ناحیه یا ایالت اصلی بیان می‌کند؛ که ایالت پنجم مربوط به عراق عجم (مرکز ایران) است و شهر برجسته آن اصفهان (پایتخت) است و غیر از آن، دارای چهار حوزه دیگر نیز می‌باشد که همه شهرهای مذکور زیر نظر بیگلربیگی‌ها، که از جانب شاه به اداره نواحی مختلف مملکت منصوب گشته‌اند، اداره می‌گردد. بیگلربیگی ناحیه عراق عجم برای اداره ایالات کهگیلویه و همدان منصوب گشته است. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۱)

نتیجه

به جهت گوناگونی جغرافیایی و سیاسی اقوام، مشخص نمودن گستره سرزمین ماد (جبال) از روزگار باستان تا دوران اسلامی مشکل بوده است. سرزمین جبال در پاره‌ای متون شامل سرزمین گسترده‌ای در نواحی مرکزی و باختری ایران بوده و یا در برخی متون ناحیه‌ای محدودتر که عرض آن از حلوان تا نزدیک ساوه و طول آن از سی‌سر تا سیمره در ناحیه مهرجان قدق توصیف شده که در این صورت، همدان جایگاهی مرکزی دارد. موقعیت استان همدان از نظر اقلیمی و طبیعی سبب شده که از قدیمی‌ترین زمان‌ها این منطقه محل استقرار و نشو و نماي تمدن‌های باستانی باشد. پس در پاسخ به پرسش نخست می‌توان گفت؛ موقعیت جغرافیایی خاص همدان و ثروت‌ها و نعمات طبیعی ناشی از آن عامل مهمی در تثبیت موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همدان بوده است به گونه‌ای که تاریخ‌نویسان دوران اسلامی همانند تاریخ‌نویسان پیش از اسلام، همدان را مرکز ماد و جبال معرفی می‌کنند. و معتقدند جغرافیای طبیعی این شهر مهم‌ترین عامل گسترش و توسعه آن بوده است.

اما در پاسخ به پرسش دوم؛ در خصوص بافت شهری همدان باید گفت؛ با توجه به بازسازی‌هایی صورت گرفته توسط متخصصین می‌توان بیان نمود که بافت اصلی شهر همدان در دوران پیش از اسلام شکل گرفته و با توجه به نقشه‌ها بافت شهری در دوران ماد و هخامنشی حالت مربع شکل منظمی داشته که در چهار جهت آن دروازه‌هایی وجود

داشته و از طریق این دروازه‌ها ارتباط با فضاهای کلیدی شهر امکان‌پذیر می‌گشته است، اما در دوران اشکانیان و با توجه به تأثیرات معماری و شهرسازی دوران سلوکی این بافت، حالتی مدور را پیدا نموده که با نقشه دوران قبلی تفاوت قابل‌توجهی دارد. لیکن در دوران ساسانی شکل کلی بافت به دوران ماد و هخامنشی نزدیک گردیده است. در نهایت با توجه به سخنان اکثر تاریخ‌نویسان، می‌توان تشخیص داد که محوطه باستانی هگمتانه، هسته اولیه همدان کنونی بوده است. در نتیجه، بافت پیش از اسلام شهر همدان در شکل‌گیری و رشد آن در دوران اسلامی سهم به‌سزایی داشته است. در آغاز دوران اسلامی آثار اندکی از حیات پویای شهری در آن باقی مانده بود. لیکن همدان در دوران اسلامی همراه با بسیاری از مناطق ایران توسعه پیدا کرد. به این ترتیب، همدان در سده‌های نخستین اسلامی بسیاری از ویژگی‌های شهری نامتمرکز و گسترده با مراکز اقتصادی پراکنده را دارا بود. تا آن‌که از قرون میانه اسلامی تا دوران صفویان شهر دارای بافت متمرکزتری می‌گردد که در حصاری از باغ‌ها قرار گرفته است. این موضوع با توجه با نکات جالبی که در سفرنامه‌های این دوران وجود دارد قابل اثبات است.

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۴۷

کتابنامه

- ابن حوقل (۱۳۶۶). *ایران در صورة الارض*، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ابن خرداد به (۱۳۷۰). *المسالک و الممالک*، ترجمه دکتر حسین قره‌چانلو، تهران، مترجم.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۳). *الفهرست*، ترجمه رضا تجدد، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- احمدی منش، محمد (۱۳۹۰). "جغرافیای تاریخی و شهری همدان در سده‌های نخستین اسلامی"، *مجله تاریخ در آینه پژوهش*، سال هشتم، شماره اول، ص ۵ - ۲۶.
- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰). *همدان‌نامه*؛ بیست گفتار درباره مادستان، همدان، نشر مادستان.
- اسفندیاری (۱۳۶۹). *بررسی محوطه بازار*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۷). "جامعه و فرهنگ ایران عصر صفوی؛ در آینه سفرنامه‌ها"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا شماره ۴۰.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷). *مسالک و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس و عاقلی، باقر (۱۳۸۷). تاریخ ایران، تهران، نشر نامک.
- پورشعبانپان، زهرا (۱۳۹۱). *بناهای استان همدان در دوره صفویه*، (پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

- تاجبخش، امین (۱۳۸۷). *مرمت ایوان جنوبی مسجد جامع همدان*، (طرح)، همدان،

سازمان میراث فرهنگی.

- تاورنیه، (۱۳۶۳). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدیدنظر کلی دکتر حمید

شیرانی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.

- جکسن، آبراهام (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن*؛ در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و

فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات خوارزمی.

- *حدود العالم من المشرق و المغرب*، (۱۳۴۰). به کوشش دکتر منوچهر ستوده،

تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- حسینی حائری، مجدالدین (۱۳۴۲). *زینت المجالس*، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.

- حقیقت رفیع، عبدالرفیع (۱۳۷۶). *فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های*

ایران، تهران، انتشارات کومش.

- خزائل کردستانی، رضا (۱۳۳۲). *خلاصه تاریخ همدان*، تهران، بی‌نا.

- خواندمیر (۱۳۵۳). *تاریخ حبیب‌السیر*؛ از اواخر مغول تا انقراض صفوی، زیر نظر دکتر

محمد

- *دبیر میاقی*، تهران، چاپخانه گلشن، ج ۴.

- *دلاواله*، پیترو (۱۳۸۴). *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات

علمی فرهنگی.

- *دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه*، تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا، ج ۴.

هویت تاریخی جغرافیای همدان در متون مورخان اسلامی از آغاز تا عصر قاجار ▶ ۴۹

- دیاکونوف، آم. (۱۳۸۶). *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سیوری، راجر (۱۳۷۴). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.

- کمپفر، انگلرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکائوس هانداری، تهران، انتشارات خوارزمی.

- محمود قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار و به تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزهة القلوب*، باهتمام و تصحیح گی لسترنج، تهران، چاپ ارمغان.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۹). *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب.

- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۳۲). *هگمتانه*، نامشخص.

- مقدسی (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، تهران انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۲.

- ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۰). "یادداشت‌های باژگون درباره تاریخ و باستان‌شناسی دوره ماد"، نشریه تاریخ باستان پژوهی، شماره ۸، ص ۱۰-۲۲.

- مهندسین مشاور توسعه خانه‌سازان ایران (۱۳۷۱). *محور فرهنگی - تاریخی همدان (طرح)*، همدان، اداره کل مسکن و شهرسازی استان.

- هرودوت، تاریخ تمدن، کتاب اول بند ۹۸.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۴). تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه عباس اول صفوی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۴۷). البلدان، ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۱). البلدان، ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- J. Newman, Andrew, Society and Culture in the Early Modern Middle East: Studies on Iran in the safavid period, University of Edinburgh 2003